

خداونداتو آگاهی

خداونداتو آگاهی، ز اندک آرزوی من
شناسی بندهٔ خود را، و دانی جملهٔ خوی من
(بود مهتر ز حد بیرون، تو ای نیکو شبان من
چنین گفتی که آگاهی، ز دانه دانه موی من) ۲

گه فرسودگی و غم، زمان شادی و عزت
به درگاهت شتابانم، که باز است آن بسوی من
(در این دنیا تو را دارم، یگانه مهربان من
بود فخرم همه در تو، تو هستی آبروی من) ۲